

# نقدی بر بازکاوی تدریجی بودن

## حرمت شرب خمر

اصغر کریمی رکن آبادی

پژوهشگر علوم قرآنی

عالمان و پژوهندگان علوم قرآنی بر فواید رهگشا و کارآمد شناخت آیات مکی و مدنی تأکید ورزیده‌اند و برای آن فوایدی را بر شمرده‌اند که از آن جمله، شناخت تاریخ تشریح و دستیابی به حکمت‌های آن است. می‌دانیم که بسیاری از آیات، در پی تشریح احکام در بستر تاریخی آن زمان بوده است و کتاب قرآن که نصی و حیانی است با توجه به واقعیت‌های زمان و جریان‌های آن نازل می‌شده، از این رو می‌توان بر این باور بود که شناخت آیات و سوره‌های مکی در شناخت تاریخ تشریح احکام، حکمت‌ها و رازهای آن و چگونگی نزول، مانند تدریج در تشریح، تشریح‌های قاطع و... سودمند است، که آگاهی از آنها ما را از چگونگی تدبیر اسلام در ساخت و پرداخت اجتماعی نوین مدد می‌رساند. نمونه‌ی عینی این تأثیر در تشریح احکامی چون حرمت ربا، حرمت شرب خمر، موضع اسلامی، در برابر برده‌داری می‌باشد و می‌توان آن را به وضوح دید در اینجا مسأله‌ی حرمت شرب خمر را بررسی می‌کنیم. اکثر مفسرین عقیده دارند که شرب خمر حرمتش تدریجی بوده و بر اساس مصالح و با توجه به نفوذ شگرف آن در جامعه‌ی آن زمان کم





تحریم شده است. گویا این دیدگاه با توجه به آیات حرمت و سیر تاریخی آنها به این مطلب دست یافته است. اینان عقیده دارند که خداوند در قرآن از تحریم خمر در چهار آیه سخن گفته است، که عبارتند از:

۱- «ومن ثمرات النخيل والاعناب تتخون منه سكرًا و رزقاً حسناً(۱)»  
در این آیه با رویاروی قرار دادن سکر و رزق حسن خواسته است زشتی و پلیدی سکر را بفهماند. مفسرانی بر این نکته صحنه گذارده اند به عنوان مثال، در تفسیر نمونه آمده است: «این آیه شاید اولین اخطار در زمینه تحریم خمر باشد». (۲)

در تفسیر کشف الحقایق، آمده است «این آیه در مکه نازل شده و به حرمت شرب خمر به صورت کنایه دلالت می کند. در سوره مائده که بعداً در مدینه نازل شد، شراب صراحتاً حرام گردید» (۳)

علامه طباطبایی، در نقد سخن آلوسی، صاحب تفسیر روح المعانی گوید: صاحب روح المعانی حرف عجیبی زده و گفته است، آیه ی شریفه در مکه نازل شد، که در آن روز شراب حلال بوده و فاجر و کافر و مسلمان آن را می آشامیدند و تحریمش در مدینه اتفاق افتاد، تا آنجا که گوید: حنفی ها هم قائل به عدم نسخ شده اند و گفته اند مراد از سُکر آن مقدار از شراب است که مستی نمی آورد. علامه ضمن ایراد بر این دیدگاه دلایل بطلان آن را چنین بیان می کند: «۱- اگر اتخاذ سُکر از منت های خدا بوده و آیه دلالت بر جواز آن می کند باید ملتزم شوید که آیه صریح در حلیت همه ی شراب ها است چرا نمی گوئید؟!»

۲- به علاوه، آیه دیگر قابل نسخ نیست، چون وقتی لسان، لسان منت باشد دیگر مدّت بر نمی دارد تا بعد از گذشتن آن مدّت، حکمش به آیه دیگر برداشته شود. زیرا چه طور ممکن است خداوند چیزی را از نعمت های خود بر شمرد و بر آن منت بگذارد، آن وقت همان را رجس و از عمل شیطان بخواند؟ همانند سوره ی مائده با اینکه چنین عملی از آن بداء هایی است که بر خداوند محال است. (۴)

سید قطب نیز ضمن صحنه گذاشتن بر حرمت تدریجی شراب گوید: «این اولین گام به سوی تحریم خمر است» (۵)

- نحل، ۶۷.
- تفسیر نمونه - ج ۱۱ / ص ۲۱.
- محمد کریم العلوی - کشف حقایق عن نکت آایات و الدقایق - ج ۲ ص ۱۷۶.
- ترجمه تفسیر المیزان - ج ۲ / ص ۴۲.
- سید قطب - فی ظلال القرآن - ج ۲ / ۹۷ ( به نقل از: محمد علی مهدوی راد ساخت آیات مکی و مدنی)
- نساء، ۴۳.
- مائده، ۹۰.
- اعراف، ۲۳.
- زرکشی - البرهان فی علوم القرآن - ۱۹۷۱

۳- آیه ی دوم، آیه ۲۱۹ بقره است: «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا كَبِيرٌ مِّنْ نَّفْعِهِمَا». این آیه نشان می دهد که دوری جستن و ترک کردن، از شرب خمر بهتر است. این آیه مسلمانان را گامی جلوتر برده و آنان در بهره گیری از شراب کم کم راه احتیاط را می پیمایند و آنگاه با آماده شدن زمینه می فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَانْتُمْ سُكَارَى» (۶)

که سومین آیه در تحریم خمر است. با توجه به اینکه نماز را در پنج بار برگزار می کردند، متعبدان به آیات الهی عملاً از شراب دوری جستند. ۴- آیه چهارم که گام نهایی است خداوند می فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ...» (۷) این سیر تحرم و تدریج در حرمت خمر را بسیاری از کسانی که تاریخ تشریح اسلامی را نگاشته اند آورده اند و مفسرانی نیز آن را پذیرفته یا یا شک و تردید نقل کرده اند، که قبلاً نمونه هایی بیان شد.

اما مفسران شیعه، خصوصاً پژوهشگران جدید، این اندیشه را پذیرفته و بر این باورند که شراب از آغاز حرام بوده است. آنان با استناد به این آیت الهی «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (۸) این نظر را داده اند.

سوره ی اعراف بی گمان مکی است (۹) و با نزول این آیه در مکه و تحریم شراب، آیات دیگر در جایگاه تأکید و هشدار در برابر شکستن مرزها خواهد بود.

ولی مفسران معروف عامه، دیدگاه اول را مورد تأیید قرار می دهند یا صراحتاً (۱۰) و یا با کمی احتیاط (۱۱). از مفسران شیعه که دیدگاه تدریجی بودن تحریم را بر نتابیده اند: الف) لاهیجی است: که در ذیل آیه ی ۹۶ نحل می آورد: «مراد از اسکرا| خمر است و مراد از خمر، نسخ سکوت تحریم است نه نسخ حلیت، چه خمر در هیچ ملتی و مذهبی حلال نبوده است» (۱۲)

ب) صاحب تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ذیل آیه ۲۱۹ بقره، ضمن نقد دیدگاه تدریجی بودن حرمت شرب خمر گوید: «این قول بیشتر

- ۱۰- رک تفسیر الکشاف، جارا... زمخشری، ج ۱ / ۲۵۷ در ذیل آیه ۲۱۹ بقره گوید: نزلت فی الخمر اربع آیات، نزلت بمکه (و من ثمرات النخیل...) فکار المسلمون یشرّبونها و هی لهم حلال... ۱۱- رک التفسیر الکبیر- امام فخر رازی ج ۶ و ۵ / ص ۴۴ و ۴۲. ۱۲- تفسیر لاهیجی - ج ۲ / ۷۲۸. ۱۳- ابوالفتوح رازی - روح الجنان روح الجنان - ج ۳ / ۲۰۶. ۱۴- سید محمد علی ایازی شناخت نامه ی تفاسیر - ص ۱۹۶. ۱۵- ترجمه ی تفسیر المیزان ج ۶ / ص ۲۱۰-۲۱۱





مفسران است و قول بعضی مفسران و بعضی اصحاب ما آن است که خمر همیشه حرام بوده است» (۱۳) این تفسیر از قدیمی ترین تفاسیر فارسی شیعی است. (۱۴)

ج) علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه ی ۹۰ از سوره ی مائده، بحث مفصلی راجع به داستان هایی که منجر به تحریم شرب خمر در اسلام شده، از جمله راجع به شراب خوردن سعد بن ابی وقاص و گفتن شعرهایی در هجاء انصار در حال مستی و زدن استخوانی توسط مرد انصاری بر سرش... گوید: «در این روایات از دو جهت اشکال است یکی از جهت اختلافی که در تعیین تاریخ تحریم خمر در آنها است؛ دوم از جهت دلالت آنها بر اینکه شراب قبل از نزول آیه ی سوره مائده حرام نبوده و یا اگر حرام بوده حرمتش حتی برای اصحاب هم واضح نبوده و حال آنکه آیه ی شریفه سوره اعراف (آیه ۳۳) صراحت دارد در تحریم مطلق اثم. و آیه سوره ی بقره هم صراحت دارد، در اینکه شرب خمر اثم است؛ با این حال چه طور در این ایام، حرمت خمر برای اصحاب واضح نبوده است (۱۵).

در جای دیگر گوید: «چیزی که از آیات راجع به خمر استفاده می شود این است که شراب در مکه و قبل از هجرت تحریم شده، چنانکه آیه ی ۳۳ اعراف دلالت بر این معنی دارد. زیرا این آیه مکی است و اگر ضمیمه شود به آیه ی ۲۱۹ بقره که آیه ای است که در اوائل هجرت در مدینه نازل شده، شکی باقی

نمی ماند که در اوائل هجرت شراب بر مسلمین تحریم شده بوده است و اگر سیاق آیات مورد بحث مخصوصاً جمله (فهل انتم منتهون) و آیه ی: «لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات...» تا آخر آیه را مورد دقت قرار دهیم جای هیچ شبهه باقی نمی ماند که ابتلاء عده ای از مسلمین به این عمل در ایامی که آیات بقره نازل شده و هنوز آیات مائده نازل نشده بود، از باب دنباله ی عادات زشت قبلی بوده است، عیناً مانند هم خوابگی با همسران در شب های صیام که چون سابقات عادت بر این عمل داشتند، دشوارشان بوده که در شب های صیام از آن صرف نظر کنند، و عصیان

مرتکب می شده اند تا اینکه آیه ی ۱۸۷ بقره نازل شد و حکم قبلی را نسخ کرد» (۱۶)

به طور کلی، دلایل رد نظریه تحریم تدریجی شرب خمر را می توان چنین خلاصه نمود:

الف) واژه ی اثم در آیه ۳۳ اعراف .

واژه شناسان بر این باورند که یکی از مصادیق اثم، در فرهنگ جاهلی خمر است و از شاعری نقل می کنند که سروده است:

شربت الاثم حتی ضلّ عقلی کذلک الاثم تذهب بالعقول (۱۷)

در لسان العرب آمده است: «قال ابن سیده: و عندی انما سماها اثماً لان شرباً اثم قال و قال رجل فی مجلس ابی العباس»

نشرب الاثم بالصواع چهاراً و تری المسک بیننا مستعاراً (۱۸)  
(الصواع: ء اناء کان یشرب فیہ الملک)

ب) شواهد تاریخی: چهره های شاخص مکه چون ابوطالب، عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب، قیس بن عامر، صفوان بن امیه، عقیف بن معدی، زنا و شراب را با هم برخورد تحریم کرده بودند و این نشانه ی پلیدی و زشتی آن در دیدگاه هوشمندان دوره ی جاهلی بوده است. از این روی آورده اند که عبد... بن جدعان که در آشامیدن آن افراط کرده، تصریح کرده است که مردمان آن را سفاهت می دانند و شرابخواران در چشم مردم به پستی و زشتی یاد شده اند. (۱۹)

مورد دیگر، داستان اعشی بن قیس است. ابن هشام در سیره ی خود از خالد بن قره و دیگران از مشایخ بکر بن وائل، از اهل علم نقل کرده که: اعشی بن قیس در اوایل بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از قبیله ی خود، به قصد مکه و زیارت رسول الله و تشرف به اسلام بیرون آمد و قصیده ای را در مدح رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سرود. در نزدیکی های مکه ابوجهل و ابوسفیان سر راه او را گرفته و پرسیدند، کجا؟ گفت: مکه. پرسیدند به چه کار به مکه می روی؟ گفت: می روم تا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدار نموده و اسلام آورم. آنها گفتند: زنهار! ای ابابصیر مبادا که چنین کار کنی که او زنا را تحریم





می‌کند، اعشی گفت: (و الله انّ ذلك لامر مالی فیه من ارب) گفتند نه تنها زنا را تحریم می‌کند بلکه شراب را تحریم می‌کند در اینجا اعشی در تصمیم خود قدری سست شده و گفت: داستان تحریم شراب کار مسلمان شدن را بتعویق می‌اندازد زیرا هنوز در دل من از محبت و علاقه ی به شراب بقایایی است که نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم ناچار بر می‌گردم و سال دیگر می‌یم. اعشی برگشت به قصد اینکه سال دیگر مسلمان شود لکن اجل مهلتش نداد.

بنابراین با اینکه همه حتی مشرکین هم داستان تحریم شراب را اطلاع داشتند دیگر چه معنایی می‌توان برای روایاتی که دارد قبل از نزول آیه مائده شراب حرام نبوده و یا حرمتش معلوم نشده بود، تصور کرد؟ (۲۰)

ج - احادیثی نیز در تأیید این نظریه (غیر تدریجی بودن تحریم شرب خمر) وجود دارد.

امام هفتم (علیه السلام) در ضمن روایتی در تفسیر آیه ۳۳ اعراف می‌فرماید: (و اما الاثم فهو الخمر) (۲۱) و امام باقر (ع) نیز در تفسیر آیه ۳۳ اعراف فرموده است: «خدای تعالی، هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود مگر اینکه در علمش گذشته بود که وقتی دین کامل شود کمال دین او مستلزم تحریم شراب خواهد بود (۲۲).

و به طور خلاصه، همانطور که علامه بزرگوار در تفسیر گرانسنگ میزان نتیجه گیری می‌نماید، پی می‌بریم که آیات قرآن مجید درباره اینکه شراب در اسلام و در قبل از هجرت تحریم شده است تصریح و تنصیص دارد و آیه ی مائده، جز به منظور تأکید و تشدید در تحریم قبلی و تحریک مردم در انقیاد و اینکه در انتها از این نهی الهی و اقامه ی حکم حرمت سهل انگاری نکنند، نازل نشده است. (۲۳)

به هر حال هر دو دیدگاه مهمترین پایه بحث و استدلالشان تکیه بر مکی و مدنی بودن آیات تحریم بوده است.

۲۱- الکافی - ج ۴/۶  
 ۲۲- تفسیر اثنی عشری - ج ۷/۲۳۵  
 ۲۳- ترجمه میزان - ج ۶/۲۱۳

